

پیشِ ادیبِ عشق

ارج نامہ استاد دکتور سعید حمیدیان



به خواستاری و اهتمام

دکتور احمد رضا بهرام پور عمران

دکتور محمد امیر جلالی

فهرست مطالب

۱۱ اشاره
۱۷ دربارهٔ استاد سعید حمیدیان
۱۹ سالشمار زندگی دکتر سعید حمیدیان
۲۷ گزارش دیدار و گفتگو با سعید حمیدیان: زهرا ناطقیان
۴۴ گزارش شب سعید حمیدیان: پریسا احدیان
۴۷ نمونه‌ای بسیار خوب برای تحقیق در مورد حافظ: نصرالله پورجوادی
۵۱ شرح شوق من: بهاء‌الدین خرمشاهی
۵۳ از تکاپو فرو نمی‌نشیند: دکتر اصغر دادبه
۵۷ سال‌ها پخته‌شدن تا روشنایی روز: کامران فانی
۵۹ سخن‌گفتن از حافظ، بدون اغراق و غلو: سعید حمیدیان
۶۳ مقاله‌های اهدایی
۶۵ اسطوره‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی:
۶۵ چند واژه شاهنامه: دکتر علی رواقی
۷۶ واژغن: دکتر میرجلال‌الدین کزازی
۸۲ شخصیت‌های حماسی شاهنامه و اسطوره‌های هندی: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق
۹۵ رستم داستان: دیک دیویس؛ ترجمهٔ دکتر مسعود جعفری جزی
۱۱۳ تحلیل یک بیتی نظامی گنجوی از داستان رستم و اسفندیار: دکتر سجاد آیدنلو
۱۲۳ نبی زَرین ضحاک: دکتر رضا ستاری
۱۲۷ حافظ‌پژوهی:
۱۲۷ پاشان (صفت سبک حافظ): استاد بهاء‌الدین خرمشاهی
۱۳۷ خرگه خورشید: دکتر نصرالله پورجوادی
۱۴۳ دو نکته در باب شعر حافظ: دکتر اصغر دادبه
۱۵۳ فال حافظ: دکتر محمد افشین‌وفایی

۴۶۳ وحید عیدگاه طرّبه‌ای (۱)
۴۶۴ وحید عیدگاه طرّبه‌ای (۲)
۴۶۵ علی محمد نجاتی
۴۶۷ فرهاد طهماسبی
۴۶۸ جواد مهربان قزل حصار
۴۶۹ محمدامیر جلالی
۴۷۲ احمدرضا بهرام‌پور عمران
۴۷۳ از میان آثار استاد
۴۷۵ از تألیفات:
۴۷۵ دیوان امیرشاهی سبزواری (بخش‌هایی از مقدمه کتاب)
۴۷۸ خلاصه‌ای از مقاله «مهاجرت شعرا به هند در عصر صفویه و برخی از تأثیرات آن بر شعر پارسی»
۴۸۷ درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی: «سهراب»
۴۹۸ آرمانشهر زیبایی (گفتارهایی در شیوه بیان نظامی): «توصیفات مینیاتوری نظامی»
۵۰۶ سعدی در غزل: «آمیزش بشر و فرابشر»
۵۱۶ شرح شوق: «خمی که ابروی شوخ تو...»
۵۲۵ داستان دگردهایی: «بر دو بال عاطفه و تخیل (کار شب‌پا)»
۵۳۳ ما را وقت خوش بود (خاطرات استاد از دوستان قدیم)
۵۴۹ فرهنگ رشید، اندام وطواط (درباره استاد کامران فانی)
۵۵۲ از ترجمه‌ها:
۵۵۲ دنیای قشنگ نو
۵۶۵ اصول نقد ادبی («تولستوی و نظریه سرایت»)
۵۶۹ خانیمه ساینس (شعر «چون خرچنگ‌ها»)
۵۷۱ وینسیوس دومورانس («شعر کریسمس»)
۵۷۳ نیکانور پارا (شعر «زائر»)
۵۷۵ چشوف میوش و شعری از او («ترانه»، «همسران»، «زن»، «آخرین صداها»)
۵۸۰ سه شعر از چشوف میوش («گزارش»، «واقع‌گرایی»، «این جهان»)
۵۸۴ از مصاحبه‌ها:
۵۸۴ میراث داستانی و نمایشی چخوف

۱۶۸ غزلی الحاقی در دیوان حافظ: دکتر محمدرضا ضیاء
۱۸۰ تأملی دیگر در معنای «نقش» در بیتهی بحث‌برانگیز از حافظ: دکتر یاسر دالوند
۱۸۶ متن پژوهی، نقد ادبی، مباحث لغوی، زبانی، تاریخی و «ایران‌شناسی»: استاد کامران فانی
۱۹۱ نازمین - نازمین، خندمین، بودمین: دکتر علی اشرف صادقی
۱۹۵ تاریخ بیهقی پیشمتن جوامع‌الحکایات: دکتر محمدجعفر یاحقی
۲۱۰ خط: دکتر کوروش صفوی
۲۲۸ شعر شریف رضی و سید مرتضی در سوگ ابواسحاق صابی: دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی
۲۴۲ مسئله مولانا در عصر صفوی: دکتر محمود فتوحی رودمعجنی
۲۷۰ حمیدیان و عین‌القضات و من در اهواز زمان جنگ: دکتر محمد دهقانی
۲۸۲ «مرازله» کی‌اند؟: استاد جویا جهانبخش
۲۸۹ سجده هدهد: دکتر علی اکبر احمدی دارانی
۲۹۵ بررسی موضوع عرفانی فنا در غزلیات شمس: دکتر رشید کاکاوند
۳۰۸ شرحی پیراسته از ظرافت‌ها: دکتر علی حیدری
۳۲۹ پیشنهادهایی برای اصلاح چند بیت از دیوان مسعود سعد: دکتر وحید عیدگاه طرّبه‌ای
۳۴۴ نیکی فرجام: دکتر سیدمحمدرضا ابن‌الرسول
۳۵۴ نقدی بر کتاب فرهنگ امثال و تعبیر: سهیل یاری گل‌دَرّه
۳۶۲ بی صد هزار مردم تن‌هایی: دکتر الوند بهاری
۳۷۰ درنگی در تصویر «در قوس ابرو آمدن ماه روی»، در بیت: دکتر احمدرضا بهرام‌پور عمران
۳۸۴ «ای روی دلارایت مجموعه زیبایی»: دکتر محمدامیر جلالی
۴۱۰ در بوته نقد و نظر: آثار استاد حمیدیان در نگاه پژوهشگران
۴۱۰ چنین کنند بزرگان...: دکتر محمدیوسف نیری
۴۲۹ واکاوی آثار سعید حمیدیان در پرتو نظریه زیبایی‌شناسی دریافت: دکتر شیرزاد طایفی
۴۴۱ با حُسن ادب: دکتر فرشید سادات شریفی
۴۴۳ سروده‌های اهدایی
۴۴۵ بهاء‌الدین خرمشاهی
۴۴۶ سیروس شمیسا
۴۵۴ ایرج زبردست
۴۵۹ محمدصادق رحمانیان
۴۶۱ علی اکبر یاغی تبار (۱)
۴۶۲ علی اکبر یاغی تبار (۲)

از سروده‌ها:	۵۹۳
«ناتمامی»	۵۹۴
«برگریز»	۵۹۵
«جوان این روزگار»	۵۹۶
یادها و یادگاراها	۵۹۷
نامه زنده‌یاد استاد دکتر سیدجعفر شهیدی	۵۹۹
پیام تبریک زنده‌یاد استاد دکتر غلامحسین یوسفی	۶۰۱
نامه زنده‌یاد استاد دکتر غلامحسین یوسفی	۶۰۲
نامه استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی	۶۰۴
نامه پرفسور ریکاردو زیپولی	۶۰۵
نامه دکتر مهدی نوریان	۶۰۶
از گذار عمر	۶۰۷

اشاره

امروزه که به سبب پیوندهای فرهنگی تازه، آیین‌ها و مراسم رایج در دیگر فرهنگ‌ها زیست فرهنگی ما را رنگین‌تر کرده، در حوزه کتاب و کتابخوانی نیز این اتفاق روی داده است. مراسمی همچون جشنواره‌های کتاب و کتابخوانی، جشن رونمایی یا امضای کتاب، جایزه کتاب فصل و کتاب سال، و انتشار شناخت‌نامه‌ها در زمره این رفتارهای ستوده فرهنگی است. برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب نیز با همه‌ی اما و اگرها و نقدونظرهایی که در پی داشته، به خصوص برای اهالی شهرستان‌ها به مثابه جشن‌واره‌ای فرهنگی است. همچنین است جوایز گوناگونی که به نام و یاد بزرگان عرصه‌های گوناگون (از جمله زنده‌یاد ابوالحسن نجفی و دکتر فتح‌الله مجتبیایی) به پژوهشگران اهدا می‌شود.

تدوین ارج‌نامه (جشن‌نامه/ یادنامه) در بزرگداشت مقام علمی و منزلت فرهنگی مفاخر عرصه‌های دانایی و فرزاندگی نیز در زمره این سنت‌های پسندیده نوین است. از پیشینه این رسم در دیگر فرهنگ‌ها آگاهی چندانی ندارم اما در ایران، اگر بزرگداشت‌ها و جشن «هزاره»هایی که در ستایش از مفاخر قرون گذشته طی چند دهه اخیر تدارک دیده شده، با اندکی تسامح ذیل عنوان یادنامه گنجانده شود، این سنت، رهاورد بزرگانی همچون علامه قزوینی و استادان سعید نفیسی و مجتبی میثوی از غرب است؛ حرکتی که استاد ایرج افشار آن را استمرار بخشید و امروزه در دیگر رشته‌ها نیز فراگیر شده است. و می‌دانیم که این بزرگان یا دهه‌ها در غرب به سربردند (چونان که علامه قزوینی و استاد میثوی) و یا مستمراً با مراکز و محافل علمی جهان در ارتباط بوده‌اند (آنگونه که استاد نفیسی). در سال‌های گذشته خوشبختانه دهه‌ها جشن‌نامه و یادنامه در گرامیداشت بزرگانی همچون استادان پورداوود، خانلری، زرین‌کوب، ایرج افشار،

محمد امین ریاحی، و... منتشر شده است. این رسم فرخنده و ازفرنگ آمده شامل حال خود مستشرقان نیز شده است (هنری کرین). تا آنجا که جستجو کرده‌ایم در همین روزها نیز چندین جشن نامه در حال تدوین است. از جمله در تارنمای «مرکز نشر میراث مکتوب» آمده که تدوین بیست یادنامه و جشن نامه در این مرکز تدارک دیده شده است که نخستین آن‌ها (یادنامه حبیب یغمایی) سال‌ها پیش به همت استاد سیدعلی آل داوود منتشر شده است. اما چهره پرتلاش این عرصه در سال‌های اخیر، استاد علی دهباشی است که جدا از تدوین چندین جشن نامه مستقل، بخشی از هر شماره مجله ارجمند بخارا را به گرامیداشت یکی از مفاخر ایران یا ایران شناسی (با عنوان «شپ...») اختصاص می‌دهد. از جمله شماره ۱۱۹ که به نام استاد دکتر سعید حمیدیان منتشر کردند و برخی از مطالب آن با اجازه استاد دهباشی در ارج نامه حاضر نیز آمده است.

فراگیر شدن امکانات فضای مجازی نیز بستر تازه‌ای برای تلاش در این عرصه است. در این زمره است کوشش مجله الکترونیکی «عطف» (به سردبیری جناب آقای جلال حیدری نژاد) در تدارک جشن نامه‌ای به مناسبت هفتادمین سالروز تولد استاد کامران فانی. در این جشن نامه یادداشت‌هایی از استادان بهاء‌الدین خرمشاهی و عبدالحسین آذرننگ و... منتشر شده است. حجم این گونه مقالات و مطالب به خصوص در دهه‌های اخیر به حدی بوده که زنده‌یاد استاد محمد گلبن بخشی از آن‌ها را در اثری با عنوان فهرست توصیفی مقالات جشن نامه‌ها و یادنامه‌ها (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵) فهرست کرده است.

در باب شیوه تدوین ارج نامه‌ها نیز آراء و عقاید گوناگون است. گروهی بر پایه شیوه رایج در غرب، معتقدند که خواستاران و تدوین‌گران باید بدون آگاهی استاد ارج‌نهاد شده، آغاز به کار کنند و هیچ یک از مطالب نیز نباید پیش‌تر منتشر شده باشد؛ این گروه همچنین بر آن اند که نباید آثار یا منتخبی از آثار خود استاد ارج‌نهاد شده در جشن نامه گنجانده شود. استاد ایرج افشار در یادداشتی منتشر شده در مجله بخارا (ش ۳-۷۲، سال ۱۳۸۸، صص ۲-۱۲۱) بر مزیت «سورپریز» شدن، در شیوه رایج در غرب، در برابر شیوه «مکشوف و علنی» مرسوم در ایران پرداخته و تلویحاً شیوه مطابق با الگوی غربی را ستوده است. حقیقت آن است که در سال‌های اخیر اغلب ارج‌نامه‌ها مطابق با الگوی غربی تدوین نشده و ارج‌نامه حاضر نیز به شیوه شرقی و بومی یا همان «مکشوف و علنی» فراهم آمده است؛ شیوه‌ای که البته دارای محاسنی نیز هست؛ از جمله، رایزنی با استادی که ارج‌نامه به ایشان تقدیم می‌شود جهت

دستیابی به اسناد و نیز در اختیار همگان قرار گرفتن منتخبی از آثار آن استاد که ممکن است دست‌یافتن به تمامی آن‌ها امروزه برای همگان چندان آسان نباشد.

اندیشه تدوین ارج‌نامه استاد دکتر سعید حمیدیان، نه اتفاقی بود و نه نیازی به تفأل و استخاره داشت. نویسنده این سطور پس از آن‌که در سال ۱۳۸۷ از رساله دکتری خویش به راهنمایی جناب استاد دفاع کرد و پس از انتشار آن فارغ‌الترب شد، همواره خارخار این کار را در سر داشت؛ اما کمتر مجال و جسارت پرداختن آن را در خود می‌دید. استاد حمیدیان یک دهه پیش‌تر از آن تاریخ به مرتبه استاد تمامی نایل آمده بود؛ مرتبه‌ای که به گمانم مباحث چندان برای بزرگانی چون ایشان به‌شمار نمی‌رود، که اگر می‌رفت پس از رسیدن به چنان درجه‌ای، دیگر «شوقی» برای «شرح» دیوان حافظ در ایشان باقی نمی‌گذارد. در همان سال‌ها، آثار استاد در محافل علمی و میان پژوهشگران به طرازی از اعتبار دست‌یافته بود که خود را بی‌نیاز از اشاره به آن می‌دانیم. این اعتبار دلایل گوناگونی دارد که فهرست‌وار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- پیوستگی و استمرار پنجاه‌ساله در عرصه پژوهش (نخستین آثار استاد در دهه چهل منتشر شده است).

- نگاه ایرانی، جهانی و اکتونی به ادبیات که رمز توفیق اغلب استادان بزرگ، به خصوص در دهه‌های اخیر، بوده است.

- ذوفنون بودن و تنوع در حیطه پژوهش (تألیف، ترجمه، تصحیح، شعر گذشته و امروز و...) که همراه است با «نگاه منشوری» (تعبیر از استاد شفیعی کدکنی) به متن.

- نگرش انتقادی به آثار و آرای گذشتگان و اکتونیان (این نگرش را خاصه در نقد و نظرهای متقابل ایشان و دوست دیرین‌شان استاد خرمشاهی بر آرای یکدیگر می‌توان ملاحظه کرد).

- نگاه ساختاری به متن و توجه به کلیت آثار هر یک از بزرگان عالم ادب، در کنار توجه به سبک دوره‌ای و همچنین نگاهی پیوستاری به سراسر تاریخ ادبی ایران.

- نگرش علمی، توأم با نثری پرتکاپو و ذوق‌برانگیز.

- تلفیق نگاه دانشورانه با دغدغه‌های اصیل روشنفکرانه و پیش‌آمدن با زمانه و زندگی.

- رعایت همیشگی ساحت انسان و مداراگری و اخلاق‌مداری. این خصلت استاد را شاگردان ایشان گواهان‌اند.

- آموزگاری بی‌دریغ و به‌دور از خودمُرادانگاری و مقلدپروری؛ چنانکه شیفتگی به آموزگاری

هنوز و هر روز در ایشان زنده است.